سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۳۸ ■ شنبه ■ ۷ آبان ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۴۸ | اذان مغرب ۱۷/۳۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ | اذان صبح فردا ۵/۰۰ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۴

سخن روز

امام علی(ع):
خوشا به حال آن کس که در نامه عملش در زیر هر گناه یک استغفار ثبت شده باشد.
بحارالانوار جلد ۵ صفحه ۳۲۹

دلم از مرگ جلال مقامی خیلی گرفت

ناصر ممدوح: تمام پیشکسوتان ما و آنهایی که در دهه‌های ۳۰، ۴۰ و ۵۰ فعالیت می‌کردند، دیگر به سنی رسیده‌اند که نمی‌توانند کار کنند. متأسفانه چندی پیش بود که استاد منوچهر اسماعیلی را از دست دادیم که در رأس هرم دوبله قرار داشتند و همین طور دیگر عزیزان. وقتی هم شنیدم که آقای مقامی فوت کردند، خیلی دلم گرفت.
ایشان اسطوره بودند؛ آقای مقامی به جای خیلی از هنرپیشه‌ها صحبت کردند مثل «وارن بیتی» و همین طور چهره‌های دیگر که تماماً هنرپیشه‌ها و چهره‌های قدَری بودند. آقای جلال مقامی واقعاً کارنامه درخشانی داشتند. آن زمانی که مجری برنامه «دیدنی‌ها» در شبکه دو بودند هم بسیار خوب از عهده کار برمی آمدند. دلمان از این ضایعه‌ها گرفته است.

بخشی از سخنان دوبلور باسابقه کشورمان در گفت‌وگو با ایسنا

یاران به آفتاب بگویید:
صد پاره شو، هزار ستاره
تا ذره، ذره، ذره بسازیم
بر بامی از بلند شهادت
تندیسی از عروج

قیصر امین پور

نـــگاره
حسن روح‌الامین

از خون جوانان وطن لاله دمیده

به بهانه درگذشت استاد جلال مقامی

جلالِ جاودانه

یادداشت

مازیار معاونی
منتقد سینما

در فاصله کوتاهی پس از درگذشت استاد منوچهر اسماعیلی که تمام اهالی هنر را داغدار کرد شاید یکی از ناخوشایندترین اتفاقات ممکن نه‌تنها برای دوستداران هنر دوبله که برای تمام هنردوستان و حتی بسیاری از مخاطبین سینما و تلویزیون شنیدن خبر درگذشت استاد جلال مقامی بود. هنرمندی با بیش از شش دهه فعالیت در عرصه دوبلاژ که صدایش از اوایل دهه ۴۰ خورشیدی برای علاقه‌مندان سینما آشنا بود. هر چند تا پیش از سال ۱۳۶۲ که به عنوان مجری برنامه خاطره‌انگیز «دیدنی‌ها» مقابل دوربین تلویزیون نشست، بجز عده معدودی از همکاران و تماشاگران حرفه‌ای‌تر سینما کسی صاحب آن صدای نجیب و دوست‌داشتنی را به چشم ندیده بود.
تاریخ تولد جلال مقامی یعنی دوم مردادماه ۱۳۲۰ یادآور مقطع حساسی از تاریخ معاصر ایران است، او درست یک ماه پیش از اشغال میهن به دست متفقین در خانواده‌ای با اصالت کاشانی چشم به جهان گشود و از همان اوان جوانی زیر نظر هوشنگ لطیف‌پور از اساتید و پیشگامان تاریخ دوبله ایران، نشستن پشت میکروفون و آداب نقش‌گویی را فراگرفت تا خیلی زود بسیاری از نقش‌های خاطره‌انگیز سینمایی و بعدها تلویزیونی‌مان را با صدای او به یاد بیاوریم.
برای نسل‌های متولد دهه‌های نخست قرن پیش، شنیدن صدای مقامی یادآور تعدادی از هنرپیشگان بزرگ و فراموش نشدنی سینمای جهان بود، عمرشریف، رابرت ردفورد، داستین هافمن، مارچلو ماستریانی، ژان پل بلموندو، سیدنی پواتیه، استیو مک‌کوئین، تونی کرتیس و راجندرا کومار تنها نمونه‌هایی از بازیگران شناخته‌شده‌ای هستند که با صدا و شیوه خاص نقش‌گویی جلال مقامی به خاطر آورده می‌شوند. به جز بازیگرانی که مقامی معمولاً به عنوان گوینده ثابت آنها شناخته می‌شد بازیگران دیگری هم مثل آلن دلون و کلینت ایست‌وود بودند که با وجود اینکه استادان خسرو خسروشاهی و سعید مظفری نقش‌گویی ثابت آنها را عهده‌دار بودند اما به اقتضای مختصات نقش و شرایط برهه زمانی که دوبله می‌شدند جلال مقامی به جایشان نقش‌گویی کرده که بی‌تردید بازبینی این آثار برای دوستداران جدی‌تر هنر دوبله خالی از لطف نخواهد بود.
اما برای بینندگان نسل‌های بعدی و بویژه بینندگان تلویزیون، جلال مقامی به جز مصادیق ذکر شده با خاطرات دیگری هم به یاد آورده می‌شود. با نقش تأثیرگذار جعفرابن ابیطالب (در فیلم محمدرسول الله/۱۳۵۸)، سروان کریون در سریال دیدنی لبه تاریکی (پخش در پاییز ۱۳۶۹)، سرگرد اِروین برانت در مجموعه به یادماندنی ارتش سری (پخش در زمستان ۱۳۷۰)، شرلوک هولمز (فصل اول/پاییز ۱۳۷۳)، نقش هیستینگز در سریال کارآگاه پوآرو (پخش در پاییز ۱۳۷۴) و البته گویندگی به جای بازیگران ایرانی نظیر عبدالرضا اکبری در شاه‌نقش این بازیگر در سریال پلیسی/جنایی مزد ترس (پخش در تابستان ۱۳۷۲)، خسرو شجاع‌زاده در مجموعه دلنشین پدرسالار (پخش در پاییز و زمستان ۱۳۷۴) و...
جلال مقامی در کنار گویندگان انگشت‌شماری همچون زنده‌یادان حسین عرفانی و شهلا ناظریان، چنگیز جلیلوند و عزت‌الله مقبلی از جمله گویندگانی بودند که علاوه بر صدا، تصویرشان نیز به‌واسطه بازیگری و اجرای مسابقات تلویزیونی در ذهن مخاطبان نقش بسته است، البته در این میان بی‌تردید جایگاه جلال مقامی و زنده‌نام منوچهر نوذری به‌لحاظ شهرت نزد عموم بینندگان تلویزیونی و محبوبیت، جایگاه بی‌رقیبی است؛ زنده‌یاد مقامی به خاطر اجرای باطمأنینه و آرامش‌بخش برنامه «دیدنی‌ها» در سال‌های کمبود برنامه‌های سرگرم‌کننده در دهه ۶۰ و نوذری فقید به دلیل اجراهای خلاقانه‌اش در مسابقه به‌یادماندنی «هفته».

جلال مقامی در ۱۵ سال اخیر بنا به بالارفتن سن و بیماری، خانه‌نشین و کم‌کار شده بود و به جز معدودی نقش‌گویی‌ها از جمله گویندگی ثابت به جای «رابین ویلیامز»، برنامه‌ای به نام «شنیدنی‌ها» را در رادیو البرز اجرا می‌کرد که سکته مغزی و اختلال تکلم او در زمان آمادگی برای اجرای این برنامه اتفاق افتاد که اُفت قابل‌ملاحظه صدای نجیب این گوینده جاودان را هم به دنبال داشت، درگذشت بانو رفعت هاشم‌پور که حدود هشت ماه قبل اتفاق افتاد، ضربه مهلک دیگری بر جلال مقامی بود که پس از نیم قرن همسرش را از دست داد تا در عصر پنجمین روز از آبان ماه راهی ابدیت شود. یادش همیشه‌سبز

آیینه احساس فرزندت شو

یک فنجان حرف

شهرزاد عبدیه
روانشناس

فرض کنید، فرزندتان با عصبانیت پیش شما می‌آید و درباره معلمش قضاوت‌های تندی می‌کند. شما معمولاً در این شرایط چه می‌کنید و چه می‌گویید؟
فرض یک؛ برای آرام کردن او، همراهش می‌شوید و می‌گویید: «حق با توست، یک معلم حق نداره این‌طوری رفتار کنه.»
فرض دو؛ از در مخالفت در می‌آیید و می‌گویید: «در هرصورت او معلم توست و حق نداری این‌طوری درباره‌اش حرف بزنی.»
فرض سه؛ بدون هیچ جانبداری و قضاوتی می‌گویید: «معلومه حسابی از این رفتار معلمت عصبانی شدی.»
در دو فرض نخست، والد با جانبداری و قضاوت صحبت می‌کند. در اولی احساسات یا فکر فرزند تأیید می‌شود و معلم محکوم. مثال‌های بسیار زیادی از چنین بازخوردهایی در روابط خیلی از افراد وجود دارد. خیلی از ما بارها و بارها به علل مختلف سوار بر موج بدگویی دوست، همسر، همکار و فرزندمان می‌شویم و براحتی و به دور از انصاف فرد غایب را محکوم می‌کنیم.
در دومین فرض هم والد، گویی شمشیر را از رو می‌بندد و فرزند را به خاطر احساسش سرزنش می‌کند.
فرض سوم مناسب‌ترین پاسخ است، بازخورد احساسی مناسبی که روانشناس‌ها به آن «انعکاس احساس» می‌گویند. در انعکاس احساس قضاوت، توهین، تحقیر، نصحیت و حتی سؤال و کنکاش جایی ندارد.
ما در انعکاس احساس، مانند آیینه عمل می‌کنیم. آیینه‌ای که به فرزندمان این فرصت را می‌دهد که احساسش را به روشنی و شفافیت ببیند، آن را بشناسد و حتی مورد واکاوی و بازنگری قرار دهد.
از سوی دیگر رابطه ما با وی مستحکم‌تر می‌شود چرا که او به این باور می‌رسد که ما بدون قضاوت و پند و اندرز درکش می‌کنیم و همراهش هستیم. واقعاً چه چیزی برای یک فرزند یا هر فرد دیگری می‌تواند آرامش بخش‌تر از این باشد که درک و شنیده شود.
روانشناس‌ها معتقدند: تا زمانی که احساس‌های منفی تخلیه نشود فرصتی برای جایگزین شدن احساس‌های مثبت وجود نخواهد داشت. با درست گوش دادن و صحیح پاسخ دادن به فرزندمان به او فرصت تخلیه هیجان‌ها و احساس‌هایش را می‌دهیم، اعم از احساس‌های مثبت و احساس‌های منفی.
وقتی احساس فرزندمان را انعکاس می‌دهیم؛ در واقع به طور غیرمستقیم به وی این پیغام را می‌دهیم که درکش می‌کنیم، بدون اینکه قضاوتش کنیم و او می‌تواند براحتی با ما سخن بگوید.
اما باید مراقب باشیم که قبل از استفاده از تکنیک انعکاس احساس، عواطف کودک یا نوجوانمان را بدرستی شناسایی کنیم و در انعکاس‌های خود از کلمات درست بهره بگیریم. حواسمان باشد، علاوه برای اینکه به دقت به حرف‌های کودک یا نوجوانمان گوش می‌دهیم حتماً به حرکات بدن او یا همان زبان بدنش هم توجه کنیم. پس اگر مطمئن نیستیم که احساس فرزندمان را بدرستی درک و شناسایی کرده‌ایم، از هر گونه انعکاسی خودداری کنیم. انعکاس احساس باید متناسب با تجربه احساسی فرزندمان باشد نه اغراق آمیزتر و نه کم اهمیت تر. پس اگر فرزندمان از چیزی ناراحت است اصلاً بزرگ نمایی نکنیم.
بهتر است دور کلیشه‌هایی مانند «می فهممت»، «درکت می‌کنم» را خط قرمز بکشیم. فرض کنیم؛ فرزندمان به خاطر مرگ جوجه‌اش بسیار ناراحت است و در این باره با ما حرف می‌زند و درد دل می‌کند. اینکه بگوییم درکت می‌کنم نه تنها کمکی به او نمی‌کند بلکه ممکن است در جواب بشنویم: «نه اصلاً هم درکم نمی‌کنی.» در این شرایط بهتر است با او همدلی کنیم، احساسش را بدرستی بشنویم و با کلمات مناسب انعکاس دهیم. شاید بتوانیم بگوییم: «به نظر می‌آد خیلی خیلی غمگین هستی و دلت خیلی براش تنگ شده.»
گاهی فرزندمان بین هیجانات منفی مختلف سردرگم می‌شود یا اضطراب و ناراحتی شدیدی را تجربه می‌کند تا جایی که قادر به صحبت درباره آنها نیست وسکوت می‌کند. در این شرایط به جای اینکه با سؤال‌های پی در پی او را کلافه و مضطرب‌تر کنیم، می‌توانیم با انعکاس احساس مفید با او همدلی کنیم و بگوییم: «به نظر می‌رسه چیزی که می‌خواهی درباره آن با من حرف بزنی، باعث نگرانی و اضطرابت شده است.»

هنرمندان در فضای مجازی

فضای مجازی اهالی فرهنگ و هنر به فوت زنده یاد جلال مقامی اشاره داشته و پیام‌های تسلیتی که برای این دوبلور پیشکسوت ارسال شده است. خبر دیگر در خصوص اکران نیم‌بهای فیلم «طبقه یک و نیم» است که از این هفته روی پرده سینما می‌رود.

■ **یاد**

پیکر زنده‌یاد جلال مقامی در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) به خاک سپرده می‌شود. شهراد بانکی، مدیر روابط عمومی انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم با اشاره به مراسم تشییع زنده یاد مقامی مجری برنامه ماندگار «دیدنی ها» و دوبلور و گوینده فیلم‌ها و مستندهای تلویزیونی و سینمایی بیان کرد: مراسم تشییع پیکر این هنرمند روز یکشنبه هشتم آبان ماه برگزار خواهد شد احتمالاً این مراسم از خانه هنرمندان برگزار شود و پیکر زنده یاد مقامی در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) خاکسپاری خواهد شد. استاد جلال مقامی در سال ۱۳۴۴ در ۲۴ سالگی با فیلم «من مادرم» اولین تجربه بازیگری خود را به دست آورد و تا شروع انقلاب اسلامی در ۴ کار سینمایی ایفای نقش کرد. او بعد از انقلاب نیز در ۳ فیلم بازی کرد اما عمده شهرت وی به اجرای برنامه تلویزیونی دیدنی‌ها بود. مقامی از سال ۱۳۶۲ در ۴۲ سالگی با اجرای برنامه تلویزیونی دیدنی‌ها به تلویزیون آمد و ۱۲ سال در روزهای جنگ و پس از آن در قاب تلویزیون‌های سیاه و سفید چهره متفاوتی به نمایش گذاشت.

■ **پیام تسلیت مسئولان برای درگذشت جلال مقامی**

رئیس مجلس شورای اسلامی در پیامی درگذشت جلال مقامی هنرمند صداپیشه، دوبلور توانمند و مجری پیشکسوت را تسلیت گفت. در بخشی از پیام محمدباقر قالیباف آمده: «درگذشت هنرمند صداپیشه، دوبلور توانمند و مجری پیشکسوت آقای جلال مقامی موجب تأسف و تأثر گردید. صدای دلنشین و اجرای برنامه‌های دیدنی ایشان در طول سال‌ها که با ذوق سرشار و هنرآفرینی همراه بود خاطرات خوش و ماندنی را در نزد مردم به یادگار باقی گذاشته است.»
پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما نیز در پیامی درگذشت مرحوم مقامی را تسلیت گفت. در بخشی از این پیام آمده: «جامعه هنری کشورمان دردانه دیگری را از دست داد. درگذشت جلال مقامی، لطمه‌ای جبران ناپذیر به هنر صداپیشگی و دوبله ایران است. بی‌شک مردم هنر دوست ایران صدای ماندگار استاد مقامی و نیز اجرای دوست‌داشتنی‌اش در برنامه تلویزیونی دیدنی‌ها و برنامه رادیویی از سرزمین نور را که مورد تفقد مقام معظم رهبری قرار گرفته بود، به خاطر سپرده‌اند.»

■ **نما**

فیلم سینمایی «طبقه یک و نیم» ساخته نوید اسماعیلی که در ژانر کمدی ساخته شده و بازیگرانی چون مهدی هاشمی، سیروس همتی، امیرمحمد متقیان و صحرا اسداللهی در آن نقش آفرینی کرده‌اند از روز سه‌شنبه ۱۰ آبان‌ماه با بلیت نیم‌بها در سینماهای سراسر کشور روی پرده می‌رود. به گفته نوید اسماعیلی «این فیلم سال ۱۳۹۹ ساخته شده بود ولی شرایط اکران آن مهیا نشد تا اینکه هفته قبل در جلسه‌ای با دست‌اندرکاران فیلم به این نتیجه رسیدیم که با توجه به کمدی بودن داستان، شاید در این شرایط سخت روحی جامعه، بتوانیم به اندازه حتی یک درصد کمکی کنیم که اگر اینطور باشد، همین برای ما نعمت خواهد بود. ما هیچ دیدگاه مادی به اکران این فیلم نداشتیم، ضمن اینکه خودمان هم از جنس مردم هستیم، بیشتر به همین فکر کردیم که بتوانیم با اکران این فیلم، فضای روحی جامعه را کمی بهتر کنیم.»

■ **نوا**

فرهاد ولنجان، مسئول کارگروهی که در حوزه فرهنگ، هنر و رسانه برای جام جهانی ۲۰۲۲ قطر در نظر گرفته شده است، با اشاره به اهمیت سرود انتخابی کشورمان برای این رویداد ورزشی، خاطرنشان کرد که هنوز سرود نهایی انتخاب نشده است؛ چراکه این اثر، باید از شایستگی‌های لازم برخوردار باشد. مسئولیت فعالیت‌های هنری و تولید آثار موسیقایی تیم ملی برای جام جهانی به دفتر موسیقی محول نشده است. گویا کارگروهی که وزارتخانه‌های مختلف از میراث فرهنگی تا ورزش در آن ایفای نقش می‌کنند، در این زمینه تصمیم‌گیر است. البته دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نظر کارشناسی خود را درباره سرود تهیه شده در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر اعلام خواهد کرد، اما چیزی که طی این سال‌ها همواره مطرح شده که جای خالی آن احساس می‌شود، نقش کمرنگ موسیقی و سازهای اقوام ایرانی است.

زندگی، بازی مثلث‌هاست

یادداشت

مینا نبئی
روزنامه‌نگار

بازی، یکی از کاربردی‌ترین شیوه‌های آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان است. بچه‌ها در بازی به گونه‌ای اکتشافی با مسائل زندگی روبه‌رو می‌شوند و در این رویارویی‌ها تجربه کسب می‌کنند؛ بازی مثلث‌ها، بازی قابل‌تأملی است که شاید بتوان گفت برای بزرگسالان نیز آموزش بسیاری دارد.

■ **بی‌خبری و سکوت**

در این بازی، بازیکنان در دو ردیف روبه‌روی هم می‌ایستند. به آنها گفته می‌شود که هریک در ذهن خود دو نفر از صف روبه‌رو را انتخاب کند و با آن دو مثلث متوازی‌الاضلاع بسازد؛ یعنی در جایی بایستد که این مثلث تشکیل شود. این بازی در سکوت انجام می‌شود و هیچ‌کس نمی‌داند که با چه کسان دیگری مثلث شده است. در واقع هرکس تنها با توجه به حرکت دو رأسی که خود انتخاب کرده، حرکت می‌کند. آن دو رأس نیز هر کدام با توجه به حرکت رأس‌های انتخابی خود تغییر مکان می‌دهند.

■ **تجربه و احساسات**

بازی مثلث‌ها چند دقیقه‌ای در سکوت اجرا می‌شود و بازیکنان با تمرکز روی حرکت رأس‌های دیگر خود حرکت می‌کنند و به‌گونه‌ای در بازی غرق می‌شوند که بارها به در و دیوار می‌خورند. بازی که تمام می‌شود، فرد اجراکننده از بازیکنان می‌خواهد که بنشینند و درباره تجربه خود در بازی صحبت کنند. آنها معمولاً چنین چیزهایی می‌گویند: «هماهنگ شدن سخت بود»؛ «مدام نگران بودم که نتوانم در وضعیت درست بایستم»؛ «می‌ترسیدم که به دیگران بخورم و سعی می‌کردم از بقیه هم مراقبت کنم.»؛ «در بازی خودم را یادم رفته بود و به شکل عجیبی فقط گرفتار حرکت دو نفر دیگر شده‌بودم. اگر آنها می‌دانستند من دارم با آنها مثلثم را می‌سازم، شاید کمتر حرکت می‌کردند تا من کمتر اذیت شوم و البته من هم با هر حرکتم دو نفر دیگر را به دنبال خودم می‌کشیدم.»؛ «بعضی جاها نمی‌شد مثلث ساخت و گیر می‌افتادیم.»؛ «از بازی خیلی لذت بردم ولی گیج و سردرگم بودم که مفهوم این بازی چیست.»

■ **بازی مثلث‌ها کجای زندگی به کار می‌آید؟**

این بازی برای آموزش مهارت ارتباط میان‌فردی به کار می‌رود. در واقع زندگی، بازی مثلث‌هاست و ما در طول زندگی خود در هیاهوی این بازی هستیم. آدم‌ها وقتی وارد این بازی می‌شوند، تازه کشف می‌کنند که همواره در رأس مثلث‌هایی در حرکت هستند؛ ارتباطات ما، در بازی همین مثلث‌ها شکل می‌گیرد.
بسیار مهم است که آگاه باشیم و حواسمان باشد که ما با انتخاب‌هایمان، با از این شاخه به آن شاخه پریدن‌هایمان و با اشتباهاتمان، دیگران را هم داریم به دنبال خود می‌کشانیم. مردی که به‌طور افراطی در کار غرق می‌شود، رأس‌های جدیدش می‌شوند رئیس و هدف جدیدش و از رأس‌های قبلی، که همسر و فرزندان هستند، فاصله می‌گیرد؛ مادری، که بی‌موقع تصمیم می‌گیرد با تور به سفر برود، در ذهن خود رأس‌های جدید سفر و همسفر را ایجاد کرده است و رأس‌های قبلی را دارد به در و دیوار می‌کوبد؛ فرزند جوان یا نوجوانی که دوستانش می‌شوند رأس‌های جدیدش و از مادر و پدر فاصله می‌گیرد، نمی‌داند که دارد تنظیمات میان خود و والدینش و حتی تنظیمات پدر و مادرش را نسبت به هم، دستکاری می‌کند. وقتی کودکی به یک همکلاسی نزدیک می‌شود و از دیگری دور می‌گردد؛ یا با او قهر می‌کند، تعادل دوست یا رأس قبلی‌اش را دارد به هم می‌ریزد و اگر شما تصمیم گرفته‌اید با خانواده همسرتان قطع‌رابطه کنید یا از همسرتان جدا شوید، بدانید این فاصله‌گرفتن از رئوس قبلی، فاصله شما را با رئوس دیگرتان هم تغییر می‌دهد و به آنها آسیب می‌رساند. بازی مثلث‌ها به ما می‌آموزد تصمیمات ما روی دیگران تأثیر می‌گذارد و به همین دلیل هم هست که باید مراقب فاصله‌هایمان باشیم.

رمانی خواندنی و تأمل برانگیز

پیشنهاد

کمیل بهزادی
فعال حوزه فرهنگی

«همیشه یکی هست... همون همیشگی...» عنوان کتابی است که چندی قبل انتشارات اودیسه روانه کتابفروشی‌ها کرده؛ نوشته‌ای که این روزها جای خالی آثاری نظیر آن خودنمایی می‌کند. این رمان در عین سادگی، پیچیدگی پشت صحنه، صرف هزینه‌های هنگفت و عجیب و غریب در برخی پلتفرم‌ها و اپلیکیشن‌ها را رمزگشایی می‌کند.
رمان «همیشه یکی هست... همون همیشگی...» اولین اثر نویسنده‌ای که خود را «نابسوبا» می‌نامد، اثری درخورتوجه است. کتابی که در عین سادگی در نگارش و بی‌آلایش بودن قلم نویسنده و بیان روان و خودمانی آن، روایتی پرتنش و پرماجرا را به گونه‌ای برای مخاطب خود بازگو می‌کند که او را در هر سن و فرهنگ و جایگاه اجتماعی، تا پایان ماجرا با داستان همراه کند. از نگاهی دیگر هرچند شوخی و بذله‌گویی شخصیت‌های داستان، متن رمان را همه فهم و ساده می‌کند اما اتفاقات جاری داستان که بی‌شباهت به ابتلائات امروز جامعه ایران نیست خبر از جدی بودن اثر دارد، تا جایی که اگر پیش از پاییز ۱۴۰۱ مطالعه می‌شد به پیشگویی شبیه بود و در حال حاضر به مجموعه مستنداتی می‌ماند که با توجه به آن می‌توان به ریشه اتفاقات امروز جامعه رسید و این دقیقاً نقطه قوت و صد البته نکته عجیبی است که خواننده را به فکر فرو خواهد برد که «نابسوبا» در چه احوالاتی اقدام به نگارش این اثر کرده است. کیانوش ضد قهرمان داستان، که علاقه خاصی به زنان دارد و ارزشی ویژه برای آنان قائل است، جهت نیل به هدف خود و اربابانش با شیوه‌های مختلف زنان را در مجموعه‌ای که به شکلی عجیب سازماندهی کرده به کار می‌گیرد و هیچ خط قرمزی برای رسیدن به مقصود خود ندارد... لاله، دختر مغرور و البته ساده‌دلی که بیست سال پیش به مراد دلش نرسیده، حالا و خیلی اتفاقی با علی تصادف می‌کند و هرچند علی که دیگر مسیر طی شده بیست ساله برایش دلیلی برای مرور ندارد از پریشانی لاله و مادرش، همچنین دوستان قدیمی مشترک‌شان نمی‌تواند بی‌تفاوت بگذرد و این توجه سرآغاز ماجراست...

■ **کتاب: همیشه یکی هست... همون همیشگی...**
■ **نویسنده: علی شریفی**
■ **انتشارات: اودیسه**

عکس نوشت

ایران متحد نام اثر رضا بدرالسما نقاش پیشکسوت است که این روزها به تصویر کشیده و آن را به تمام مردم سرزمینش تقدیم کرده است./ ایران